

سرمقاله

# خشونت و پایه های لوزان صلح

حفیظ الله ذکی

نشست چهار جانبه گروه هماهنگی صلح که دور اول آن در اسلام آباد و دور دوم آن در کابل برگزار شد، به دلیل عضویت نمایندگان آمریکا و چین در این نشست امیدواری هایی را به وجود آورده است. اما این بار نیز تلاش های صلح با حملات خونین انتحاری همراه گردید. در سال های قبل هر باری که حکومت افغانستان از مخالفان مسلح دولت می خواست تا به پروسه صلح بپیوندند، طالبان با انجام حملات انتحاری و کار گذاشتن ماین های کنار جاده ای و کشتن افراد بی گناه سعی می کردند این تلاش ها را ناکام بگذارند.

حکومت وحدت ملی تلاش های صلح را تا حدودی جدی تر و برنامه ریزی شده تر آغاز کرد و در این زمینه موافقت مقامات سیاسی و نظامی پاکستان را نیز گرفت. نتیجه این کوشش های مشترک، حاضر کردن نمایندگان طالبان برای نخستین بار به پای میز مذاکره بود. پیش از این همواره گروه طالبان، مذاکره و نشست با حکومت افغانستان را رد می کردند و حکومت را مستقل و دارای اقتدار مشروع نمی دانستند. از اینرو اشتراک طالبان در نشست اسلام آباد نشان داد که این گروه تغییرات اساسی را در رویکردهای سیاسی خود به وجود آورده است. اگر چه این نشست به نتایج مشخصی منجر نشد؛ ولی هر دو طرف بر دوام مذاکرات صلح به صورت دواستمدار توافق کردند. این امر می تواند یک پیشرفت قابل ملاحظه در روند صلح به شمار آید.

اما پس از این نشست حملات مرگباری در افغانستان و بخصوص کابل پایتخت کشور شروع شد و این حملات موجی از مخالفت های مردمی در برابر طالبان را سبب گردید و سؤالات زیادی را بر محور همکاری های صادقانه پاکستان به وجود آورد. این حملات بر روند تلاش های صلح سایه افکند و مناسبات سیاسی افغانستان با پاکستان را با تنش و بی اعتمادی همراه کرد. همزمان با حملات انتحاری، افشای سؤال برانگیز مرگ رهبر سابق طالبان که سبب سردرگمی و اختلافات جدید در صفوف طالبان گردید، عملا مذاکرات صلح را به بن بست کشاند.

پس از ماهها تلاش و اربازی، افغانستان و پاکستان باردگر به توافق رسیدند تا روند صلح با طالبان را پیگیری کنند. پاکستان وعده سپرد که برای حاضر کردن رهبران طالبان به پای میز مذاکره تلاش خواهد کرد و با گروه هایی که دست از خشونت نکشند و به پروسه صلح نپیوندند، همگام با افغانستان مبارزه خواهد کرد. مذاکرات صلح این بار با اشتراک چهار کشور به شمول آمریکا و چین و البته تاهنوز بدون حضور نمایندگان طالبان برگزار شده است. پس از این نشست حملات خونین انتحاری در جلال آباد و کابل صورت گرفت و سطح خشونت ها افزایش پیدا کرد. ولی همزمان با این حملات، حمله دیگری در دانشگاه پاچا خان در چهارسده ایالت خیبر پختونخواه پاکستان نیز صورت گرفت. مقامات نظامی پاکستان ادعا کرده اند که این حمله از خاک پاکستان کنترل می شده است. بدون شک این حملات دو طرفه بار دگر روند صلح را با بی اعتمادی ها و شک و تردیدهای بیشتری مواجه خواهد کرد.

نشست سه جانبه رییس جمهوری کشور با معاون ریاست جمهوری آمریکا و نخست وزیر پاکستان در حاشیه اجلاس مجمع اقتصادی جهان در سوییس، تأکیدی است بر ادامه روند صلح و کاهش بی اعتمادی در روابط افغانستان و پاکستان. رویدادهای سالهای گذشته به اثبات می رساند که سازمان ها و حلقات قدرتمند سیاسی و نظامی در افغانستان با پاکستان وجود دارند که روند صلح را به نفع خود نمی دانند و سعی خواهند به هر طریقی این روند را سبوتاژ نمایند.

بنابراین در این مرحله از مذاکرات صلح که به گونه جدی تر و با نظارت آمریکا و چین دنبال می شود، بایستی روی شناسایی افسراد، حلقات و گروه هایی که با ایجاد ناامنی در افغانستان و پاکستان می خواهند فضای بی اعتمادی و تردید را در مناسبات سیاسی دو کشور حاکم بسازند، کار شود. آیا این افراد و سازمان ها در بدنه دولت های افغانستان و پاکستان فعالیت دارند و یا در بیرون از دولت. بدون شک شناسایی و مبارزه با این حلقات کم اهمیت تر از خود روند صلح نخواهد بود.

گروه داعش جدید ترین گروه بنیادگرای تندرو و خشن است که دامنگیر برخی کشور های اسلامی شده است. عراق و سوریه خاستگاه این گروه بود. این گروه توانست حاکمیت ملی حکومت عراق و سوریه را مورد تهدید جدی قرار دهد. با این حال، فعالیت این گروه تنها محدود به عراق و سوریه باقی نماند. افغانستان به خاطر وجود ظرفیت های اجتماعی و ذهنی پذیرای گروه داعش شدند. برای اولین بار، این گروه در ولایت ننگرهار دست به فعالیت زد. ظهور و فعالیت داعش در افغانستان نگرانی های جدی را به وجود آورد. نگرانی ها بیشتر ناشی از موفقیت این گروه در تصرف قلمرو های عراق و سوریه، سطح بالای رفتاری های خشونت آمیز، بی رحمی و فسقوت بی حد و حصر و ... بود. ظهور و فعالیت داعش در افغانستان پیامد های جدی در عرصه امنیتی و بر رفتار گروه های بنیادگرای دیگر گذاشت. مناسبات شهروندان و حکومت را تا اندازه زیادی تغییر داد. نگرانی های مردم، تحولات جدی در عرصه امنیتی موجب واکنش شدید نیرو های امنیتی کشور در قبال گروه داعش شد. با این حال، واکنش ها تنها به نیرو های امنیتی کشور محدود نماند. نیرو های بین المللی مستقر در افغانستان نیز داعش را به عنوان یک تهدید جدی برای ثبات و امنیت افغانستان محسوب نمودند. در تازه ترین مورد، وزارت دفاع آمریکا، پنتاگون مجوز حمله بر مواضع داعش در افغانستان را صادر نموده است. مجوز وزارت دفاع مبنی بر حمله بر مواضع داعش در افغانستان یکی از جدی ترین و اساسی ترین تصمیمی است که در راستای آوردن ثبات و امنیت در افغانستان گرفته شده است. ظهور و فعالیت داعش دگرگونی بنیادی در رویکرد آمریکا نسبت به نیروی هوایی و مبارزه با تروریسم و دهشت افکنی به وجود آورد. همچنین این گروه توانست برای اولین بار، چالش بصری گروه طالبان ایجاد نموده و الگویی رفتاری جدید برای این گروه و بسیاری از گروه های بنیادگرا دهشت افکن دیگر تعریف نماید. در ذیل تلاش می کنیم این نکتات را مورد بررسی

# گروه داعش؛ عامل تغییر رویکرد آمریکا نسبت به نیروهای امنیتی افغانستان

رحیم حمیدی



داده است. این اولین کسک جدی به نیروهای امنیتی کشور است که این نیرو ها را قادر می سازد تا مواضع گروه های دهشت افکن و تروریست را به صورت مستقل مورد آماج قرار دهد. در عین حال، نیرو های هوایی کشور با تجهیزات جدید می تواند از نیروهای زمینی کشور به صورت جدی حمایت و پشتیبانی نماید. کمک های آمریکا به نیروهای هوایی افغانستانتان محدود به ۴ فرزند هواپیمای جنگی نمی شود. این کشور همچنین در حدود ۲ میلیارد دلار به نیروی هوایی افغانستان کمک نموده است. این نشان از تغییر رویکرد ایالات متحده آمریکا در مبارزه با تروریسم، دهشت افکنی و گروه های شورش در افغانستان می باشد. به نظر می رسد آنچه موجب تغییر رویکرد ایالات متحده آمریکا نسبت به نیرو های امنیتی کشور و مبارزه با تروریسم و دهشت افکنی در افغانستان شده است، مقاومت، شجاعت و دلوری نیروهای امنیتی در برابر گروه های دهشت افکن است. با این حال، مسئله تنها محدود به شجاعت و دلوری نیروهای امنیتی کشور

نمی شود، بلکه مسئله دیگر این است که ایالات متحده آمریکا در مبارزه با تروریسم و دهشت افکنی جان هزاران سرباز خود را در افغانستان از دست داده است. آن ها با تقویت نیروی هوایی افغانستان دیگر نمی خواهند قربانی بیشتر بدهند. دوم: برای سال های متمادی، گروه طالبان به عنوان مهمترین گروه شورشی و دشمن حکومت افغانستان محسوب می شد. حضور و فعالیت داعش اما تحولی جدی در فعالیت و قلمرو گروه طالبان به وجود آورد. رهبر گروه طالبان خود را امیرالمومنین می دانست. گروه داعش افغانستان را بخش از ولایت خراسان خود محسوب کرد. وجود دو امیر اسلامی در یک جغرافیا موجب تنش و برخورد میان این دو گروه شد. در سال ۲۰۱۵ جدی ترین برخورد ها میان این دو گروه صورت پذیرفته است. حضور داعش در افغانستان موجب شد که تردیدی نسبت به بزرگترین گروه شورشی بودن گروه طالبان ایجاد نماید. گروه داعش در کنار این مسائلت توانست بخش از نیروهای گروه طالبان را جذب خود نماید و با این کار، جنگ را برای گروه

# دولت ضعیف و جامعه قدرتمند؛ تجربه ناکام دولت سازی در افغانستان

علی قادری



کنترل جامعه توسط احمد شاه ابدالی صورت گرفت. او برای این کار به مکانیسم ها قبلیه ای و قومی روی آورد. با این حال، مکانیسم های قومی و قبلیه ای از بنیاد با شکل دهی سازمانی به نام دولت ناسازگار و ناهمخوان بود. او پیش از آنکه موفق به قدرتمند ساختن دولت گردد درگیر راضی نگه داشتن سران قبایل شد تا مبادا سران قبایل در برابر حکومت او دست به شورش زده و او را به زیر آورد. دقیقاً همین دغدغه باعث کشتار او به شبه قاره شد. حملات که احمد شاه ابدالی به هندوستان سازماندهی نمودند، بیشتر ناشی از دغدغه حفظ حکومت اش و راضی نگه داشتن سران قبایل می شد. این سیاست احمد شاه ابدالی منجر به حفظ حکومت او شد. با این حال، نتوانست دولت را قدرتمندتر از جامعه سازد. دولت او مجبور بود به برخی سران قبایل امتیازات ویژه واگذار نماید تا مبادا اقدامی علیه او و حکومتش انجام دومین تلاش مهم و اساسی در راستای دولت سازی را امیر عبدالرحمن خان انجام داد. او برخلاف اسلاف گذشته خود کمتر به مکانیسم های قومی و قبلیه ای روی آورد. اگر چه نمی توان بسیاری از رفتار ها و عملکرد خود را خارج از چارچوب قومی و قبلیه ای فهم و درک کرد. اما، می توان گفت که امیر عبدالرحمن خان متفاوت از

احمد شاه ابدالی وجود یک ارتش مقتدر و قدرتمند را امر ضروری برای شکل دهی دولت مدرن می دانست. او در همین راستا اقدامات را روی دست گرفت. جلب و جذب شورشی و دهشت افکن قلمرو از خاک کشور را زیر کنترل خود دارد. بنابراین، تلاش ها در دوره جدید، تا کتون منجر به شکست بوده است. این شکست اما، ناشی از چند مسئله است. اولین عامل فقدان استراتژی جامعه جهانی برای شکل دهی دولت قدرتمند در سال های نخست حضور خود در افغانستان قدرت زیادی را به گروه های مجاهدین واگذار نمود. به عبارت دیگر، تأمین امنیت و نظم بسیاری از جا ها را به سران مجاهدین واگذار نموده بود. این امر خلاف شکل دهی یک دولت قدرتمند است. توان گفت که تلاش ها منجر به شکست بوده است. اکنون دولت قادر به کنترل و مدیریت جامعه نیست. جامعه همچنان قدرتمندتر از دولت است. گروه های شورش و دهشت افکن قلمرو از خاک کشور را زیر کنترل خود دارد. بنابراین، تلاش ها در دوره جدید، تا کتون منجر به شکست بوده است. این شکست اما، ناشی از چند مسئله است. اولین عامل فقدان استراتژی جامعه جهانی برای شکل دهی دولت قدرتمند بود. در نخستین سال های حضور جامعه جهانی در افغانستان ما با خلاء استراتژی مواجه می باشیم. عامل دوم نادیده گرفتن عامل خارجی در گسترش سطح خشونت در افغانستان است. از همان سال های نخست جامعه جهانی رابطه برخی حکومت ها با گروه های دهشت افکن را جدی نگرفتند. این مسئله تنها در سال های اخیر مورد توجه قرار گرفته است با این حال، هیچ نوع تلاشی برای قطع پیوند این حکومت ها با گروه های بنیادگرا صورت پذیرفته است. سومین عامل ضعف نخبگان سیاسی جامعه افغانستان است. واقعیت امر این است که نخبگان سیاسی ما درگیر منافع و عیال شخصی خود است. هیچ تمایل به منافع عمومی و جمعی ندارد. به همین خاطر، در پیش از یک دهه گذشته، بیشترین تلاش شان این بود که چگونه منافع شخصی خود را به حداکثر برسانند.

ارزشی را در جامعه افغانستان برای اولین بار به وجود آورد. تلاش های امان الله خان نیز با شکست مواجه شد. او به خاطر ارتش ضعیف قادر به مقاومت در برابر شورش ها نشد. افغانستان را ترک گفت و به ایتالیا مسکن گزید. در دوره جدید، انتظار می رفت که دولت سازی در افغانستان از طرف جامعه جهانی و نخبگان داخلی جدی گرفته شود. اما، برای مدتی طولانی دولت سازی به عنوان یک امر مغفول باقی ماند. ایالات متحده آمریکا هیچ گونه استراتژی در مورد افغانستان نداشت. بنای شکل دهی دولت قدرتمند را داشت. به همین خاطر، در سال های نخست حضور خود در افغانستان قدرت زیادی را به گروه های مجاهدین واگذار نمود. به عبارت دیگر، تأمین امنیت و نظم بسیاری از جا ها را به سران مجاهدین واگذار نموده بود. این امر خلاف شکل دهی یک دولت قدرتمند است.

احمد شاه ابدالی وجود یک ارتش مقتدر و قدرتمند را امر ضروری برای شکل دهی دولت مدرن می دانست. او در همین راستا اقدامات را روی دست گرفت. جلب و جذب شورشی و دهشت افکن قلمرو از خاک کشور را زیر کنترل خود دارد. بنابراین، تلاش ها در دوره جدید، تا کتون منجر به شکست بوده است. این شکست اما، ناشی از چند مسئله است. اولین عامل فقدان استراتژی جامعه جهانی برای شکل دهی دولت قدرتمند بود. در نخستین سال های حضور جامعه جهانی در افغانستان ما با خلاء استراتژی مواجه می باشیم. عامل دوم نادیده گرفتن عامل خارجی در گسترش سطح خشونت در افغانستان است. از همان سال های نخست جامعه جهانی رابطه برخی حکومت ها با گروه های دهشت افکن را جدی نگرفتند. این مسئله تنها در سال های اخیر مورد توجه قرار گرفته است با این حال، هیچ نوع تلاشی برای قطع پیوند این حکومت ها با گروه های بنیادگرا صورت پذیرفته است. سومین عامل ضعف نخبگان سیاسی جامعه افغانستان است. واقعیت امر این است که نخبگان سیاسی ما درگیر منافع و عیال شخصی خود است. هیچ تمایل به منافع عمومی و جمعی ندارد. به همین خاطر، در پیش از یک دهه گذشته، بیشترین تلاش شان این بود که چگونه منافع شخصی خود را به حداکثر برسانند.



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله ییاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com